

نمایش نامه

همچون درون آینه

جنی وورتن

ترجمه پرهام آل داود

اقتباسی از فیلم [نامه] همچون درون آینه اثر اینگمار برگمان



نشرنی

جهان نمایش

- یادداشت مترجم ۷
- شخصیت‌ها ۹
- صحنه ۱ تا صحنه ۱۲ ۱۱ تا ۷۸
- نام‌نامه ۷۹

اعضای این خانواده به واکنشی زیابط و گذشته‌شان می‌پردازند که در ادامه شاهدیم. نادر، پسر بیست‌ساله دختر خانواده، کارین، نواز می‌گیرد. ترجمه دقیق عنوان سوئدی فیلم همچون درون آینه است و در اکثر زبان‌ها، از جمله فارسی، این فیلم با ترجمه واژه به واژه همین عبارت شناخته می‌شود. هر چند عنوان انگلیسی فیلم با اشاره‌ای به کتاب مقدس بار معنایی جدیدی به این اثر افزوده است. عبارت انگلیسی برگرفته از نوشته‌های پراس است و به زندگی زمینی انسان‌ها اشاره می‌کند که در آن تصویری کز و نیارآلود از واقعیت می‌بینند، تصویری که در آخر الزمان صاف و شفاف خواهد شد. در ترجمه حاضر، عنوان انتخابی برگرفته از عنوان سوئدی است تا به منظور برگمان نزدیک‌تر باشد.

برگمان در زمان نگارش فیلم‌نامه همچون درون آینه ساختار نمایشی سه پرده‌ای را در ذهن داشت، بنابراین می‌توان گفت این اثر

1. Fåro

2. Söson / in spegel

۳. دیدگاه روشنگر مادی این فیلمنامه را به فارسی برگردانده است: اینگمار برگمان، همچون درون آینه، ترجمه روشنگر ظاهری، نشر روز، ۱۳۲۴

4. Through a Glass Darkly

کارین بیست و چند ساله
داوید پدر کارین و ماکس، پنجاه و هشت ساله
ماکس برادر کوچک کارین، شانزده ساله
مارتین شوهر کارین، حدوداً چهل ساله

مکان نمایش در جزیره‌ای نزدیک سواحل سوئد می‌گذرد، در خانه
مخصوص تعطیلات خانواده، واقع در کنار آب.
زمان سال ۱۹۶۰.

تذکر علامت تیره بلند (—) یعنی شخصیتی دیگر وسط حرف گوینده
می‌پرد.

علامت سه نقطه (...) یعنی گوینده رفته رفته خاموش می‌شود.

از دل تاریکی انتهای صحنه، صدای خنده به گوش می‌رسد. چهار نفر، خیس از شنا در دریا، وارد می‌شوند. خودشان را به جلوی صحنه می‌رسانند و در حالی که آب از بدن‌شان می‌چکد می‌ایستند و به دوردست نگاه می‌کنند.

داوید یادم رفته بود این دریا چقدر قشنگه.

ماکس اینو هر سال می‌گی.

کارین هر سال هم درست می‌گه. این جا شگفت‌انگیزترین جای دنیاست.

مگه نه، بابا؟

داوید اگه تو می‌گی حتماً همین طوره، عزیزم.

مارتین می‌گه، باورتون نمی‌شه، مدام اینو می‌گه.

کارین این هم می‌گم که تو این تعطیلات همه چیز به نحو احسن پیش می‌ره.

ماکس هه!

داوید که این طور!

کارین بله. (به مارتین.) توو بابا توورها رو بندازین، من و ماکسی هم شامو آماده

می‌کنیم.

مارتین به نظرم ماکس بهتره به داوید کمک کنه توها رو بندازن، من هم بتونم با زنم قدمی بزوم.

داوید یا ماکسی و مارتین شامو آماده کنن و من و کارین —

ماکس من نه قصد دارم سبزی خرد کنم، نه توری بندازم. خودم تصمیم می‌گیرم چی کار کنم.

کارین (به مارتین و داوید.) ببینین چی کار کردین. باید از اولش به حرف من گوش می‌دادین.

داوید وقت داوریه! پدر تصمیم می‌گیره. این جوری شأنم حفظ می‌شه. بیا مارتین، بذار بچه‌ها برن تو، ما شکارچی‌ها هم بریم به مصاف باد و امواج. (به کارین و ماکس.) برین، آگه بیرون بمونین مریض می‌شین و یه چیزی تون می‌شه.

کارین نقشه درخشانیه، کاش به ذهن خودم رسیده بود. (کارین ماکس را با خود می‌برد.) بجنب، می‌خوام خودمو خشک و تمیز کنم.

ماکس من تمیز شدن برام مهم نیست. (می‌روند.)

داوید بریم لباس گرم بپوشیم یا دلوبزنیم به دریا؟

مارتین نظر تو چیه؟

داوید قراره باد بیاد.

مارتین جدی؟

داوید من مشکلی ندارم، ولی —

مارتین آگه سردته بهتره...

داوید نه. یه ذره هم نه. تو خوبی؟

مارتین من عادت دارم. خوب نسیمی می‌وزه.

داوید آره دیگه، چیزی که منواز پا درنیاره قوی ترم می‌کنه.

مارتین آگه همینگوی از پشش برمی اومد ما هم می تونیم! (داوید شروع می کند
به جمع کردن تورهایی که باید ببرند و مارتین کفش هایش را عوض می کند.)

داوید به نظرت اون ابرها طوفان زان؟

مارتین امشب به ما نمی رسن. می ترسی طوفان بشه؟

داوید چه جور هم. افسارگسیخته. باید وقتی از دل آلپ بیرون می زنی
بینی شون.

مارتین سوئیس چطور بود، سوای طوفان هاش؟
داوید عالی.

مارتین پس به ت خوش گذشت؟

داوید برای تفریح نرفته بودم، رفته بودم کار کنم. دلم برای همه تون تنگ
شده بود. ولی باید می موندم و این کتاب لعنتی رو تموم می کردم —
قسم خوردم این کارو بکنم. چه دلم برای خونه تنگ بشه چه نشه.

مارتین کردی؟

داوید چی؟

مارتین تمومش کردی؟

داوید کم و بیش.

مارتین زخم معده ت در چه حاله؟

داوید خوبه. شاید ازت بخوام چیزی برام تجویز کنی. فردا با قایق می رم شهر.
مارتین فکر می کردم قصد داری فردا رو این جا همراه ما بگذرونی.

داوید چند تا کار هست که باید انجام بدم.

مارتین که این طور.

داوید حالا که با خانواده ام اومدهم تعطیلات، دلیلی نداره وانمود کنم که
وجود ندارم.